

که اشک از همان علوم می آید **خواب** چهار چیز است **خواب** خواب و بیداری و خواب و بیداری و خواب و بیداری  
 که علم را می آید و کس باور **خواب** خواب و بیداری و خواب و بیداری و خواب و بیداری  
 ایشان را بکند یا سری بچینا ند **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 ایشان را بیدار یا پیش هر دور **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 چنانچه در دست و سبوتی بر دوش در راهی میرفت فضول  
 بر طرفی است و بکسی از طرفی بویله کیددی به بهر  
 با وی رسید و گفت ای نادان روز و شب بر تو یک است  
 که **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 و روشنی و تاریکی در چشم تو برابر چراغ را فایده چیست نا بینا  
 و در غفلت اولی **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 بخندید که این چراغی از بهر خست از بری چون تو کور دکان  
 کولی **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 بی فریاد است تا بمن بپوشانند و بسوی من آتش کنند **قطعه**  
 غمزدار **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 حال نادان را بی از دانا نمیداند کسی  
 با سزای بی ماله که **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 که چو در دانش فرزند از بن علی سینا بود  
 که **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 طعن نا بینا از بن ای دم ز بینائی ز رده  
 کوزنه طعن لورده **مطایب** نا بینائی در شب تاریک  
 دانکه نا بینا کجا و خویشتن بدینا بود  
 ز بزم کوزنه کند و آتش کور و بی زور

مطایب

**مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 لبش از غم و بوی کدو کدو نشسته **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 نشستند **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 از عظام جوهر ترکیب او نظام **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 که در غم و بوی کدو کدو نشسته **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 همچون فرغ بر عظام آمده به هم **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 غمزدار **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 لیکن هنوز غمشت ند دیدن از عظام **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 و بوی کدو کدو نشسته **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 لایق اسبکی که کجی است **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 بلرزه کدو کدو نشسته **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 از سر بسیم کوش بکاو **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 باشد طاعتی که کدو کدو نشسته **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 گفت لعنت بولشکر بان من باد هر دینار و درم که دادم هر فرج  
 و بوی کدو کدو نشسته **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 زنان خود فرین ساختند و مرغان خود را از کسینیک بگذاشتند  
 عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 ان شخص بشنید و گفت والله ای امیر اگر نظر استصهار بر فرج  
 لورده **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 زن من کما ری انرا از سرین اسب من لایق تر شمر او **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن  
 عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن **مطایب** عروینت یکی از اشک بان خود دیدن بر آب کهن

Copyright © King Saud University